

دانشنامه چیست؟

دانش‌نامه یا فرهنگ‌نامه، که به عربی به آن دایره المعارف می‌گویند، نام عمومی کتاب‌های مرجعی است که دانستنی‌ها و مفاهیم یک یا چند رشته از دانش‌های بشری را در خود دارند. چینی‌ها در سده‌های پیش از میلاد مجموعه‌های بزرگ و حجیمی نوشته بودند که بخش‌هایی از آن‌ها در دست است. دینکرت را می‌توان نمونه‌ای از یک دانش‌نامه‌ی دینی ایرانی کهن دانست. با این همه، نگارش دانش‌نامه در دوره‌ی اسلامی به اوج خود رسد و آثاری چون مفاتیح‌العلوم، دانش‌نامه‌ی علایی، جامع‌العلوم فخر رازی و نفائس‌الفنون آملی از شناخته‌شده‌ترین آن‌هاست.

داستان یک واژه

دایره‌المعارف، که در زبان عربی و فارسی رایج شده، ترجمه‌ی واژه‌ی انسایکلوپدیا (*encyclopaedia*) است که ریشه‌ی یونانی دارد و در زبان‌های غربی به کار می‌رود. خود این واژه از دو واژه‌ی کهن‌تر، *enkyklios* به معنای دایره و *paideia* به معنای بچه گرفته شده است. واژه‌ی *paideia* از سده‌های نخست میلادی به مفهوم آموزش به کار رفته است، زیرا رومی‌ها اسیران فرهیخته یا پداگوگوس‌ها (*paidagogos*) را، که بیش‌تر از یونانی‌ها بودند، به آموزش فرزندان خود می‌گماردند. بنابراین، این واژه را می‌توان به معنای آموزش عمومی دانست و انسایکلوپدیا به معنای کتابی است که دانش عمومی یا دانستنی‌های پایه را در خود دارد. این واژه نخستین بار در سال ۱۵۴۱ در عنوان کتاب "*Lucubrationes vel potius absolutissima kyklopaideia*" به کار رفت و نخستین‌بار در سال ۱۵۵۹ میلادی برای عنوان کتابی دانش‌نامه گونه از سوی پل اسکالیش، نویسنده‌ی آلمانی، برگزیده شد.

در سال ۱۲۹۳ قمری/۱۸۷۶ میلادی، بطرس بستانی مارونی لبنانی (۱۸۸۳-۱۸۱۹ میلادی) واژه‌ی دایره‌المعارف را به صورت ترجمه‌ای گرده‌برداری شده از واژه‌ی *Encyclopedia* ساخت و آن را برای عنوان کتابی که بر پایه‌ی ترجمه‌ی دانش‌نامه‌ی امریکانا فراهم کرده بود، به کار برد. این واژه با انتشار کتابی از محمد فرید وجدی مصری (۱۹۵۴-۱۸۷۵ میلادی) با عنوان "دایره‌المعارف القرن العشرين" به سال ۱۳۵۷ قمری/۱۹۳۸ میلادی و ترجمه‌ی مجموعه‌ی *Encyclopedia of Islam* به صورت دایره‌المعارف الاسلامیه از متن انگلیسی به عربی، در کشورهای اسلامی و ایران بر سر زبان‌ها افتاد.

اما از آن‌جا که پیشینه‌ی نگارش چنین کتاب‌هایی در مشرق‌زمین بسیار دیرین‌تر از غرب است و مسلمانان، به‌ویژه ایرانیان، در نگارش دانش‌نامه پیش‌تاز بوده‌اند، بهتر بود به جای ترجمه‌ی یک واژه‌ی بیگانه، نام کتاب‌های مشابه، مانند جامع‌العلوم (نوشته‌ی فخر رازی) را به عنوان برابر عربی واژه‌ی لاتین به کار می‌بردند. به یاد داشته باشیم که پیشینه‌ی ساختن واژه‌ی انسایکلوپدیا از دو واژه‌ی یونانی، کم‌تر از ۵ سده است، اما در فرهنگ اسلامی واژه‌هایی مانند جامع‌العلوم با دیرینگی بیش از ۸ سده، مفهوم را نیز درست‌تر بیان می‌کنند.

واژه‌ی دانش‌نامه نخستین‌بار در کتاب دانش‌نامه‌ی علایی، نوشته‌ی ابوعلی‌سینا، در سده‌ی پنجم هجری به کار رفته است. سپس، در سده‌ی نهم هجری برای دانش‌نامه‌ی جهان، اثر غیاث الدین علی حسینی، در سده‌ی یازدهم هجری برای دانش‌نامه‌ی شاهی محمد امین استرآبادی و سرانجام در سال ۱۳۵۶ خورشیدی برای اثری به نام دانش‌نامه‌ی ایران و اسلام برگزیده شد که ترجمه و بازپرداخت Encyclopedia of Islam به فارسی است.

بنابراین، به نظر می‌رسد در زبان فارسی به کارگیری واژه‌های دانش‌نامه و فرهنگ‌نامه به جای دایره‌المعارف مناسب‌تر باشد، چنان‌که برخی ناشران چنین کرده‌اند. البته، واژه‌ی فرهنگ‌نامه نیز در سال‌های اخیر ساخته شده و پیشینه‌ی چندانی ندارد. از این رو، در دانش‌نامه‌ی الکترونیکی جزیره‌ی دانش به یاد دانش‌نامه‌ی ابن‌سینا از واژه‌ی دانش‌نامه بهره گرفته‌ایم.

دانش‌نامه و فرهنگ واژگان

دانش‌نامه با لغت‌نامه یا فرهنگ واژگان، تفاوت‌ها و شباهت‌هایی دارد. در فرهنگ واژگان (لغت‌نامه) واژه‌هایی که در یک زبان به کار می‌روند، از نظر مفهوم، تلفظ، تاریخ کاربرد، اصل و ریشه، مترادف‌ها، متضادها، ترکیب‌ها و نمونه‌های به کار رفته در جمله‌ها، معرفی می‌شوند. اما در دانش‌نامه، دانش مرتبط با هر واژه معرفی می‌شود. برای نمونه، در فرهنگ معین، که نوعی فرهنگ واژگان است، در برابر واژه‌ی "جبر" هفت معنی گوناگون در چند سطر نوشته شده است، اما در دایره‌المعارف فارسی، که نخستین دانش‌نامه‌ی نوین ایران است، تنها پیرامون یکی از معناهای آن، یعنی جبر به عنوان یک رشته از ریاضی، در دو صفحه بزرگ توضیح داده شده است.